

Analysis of the Structure of Ramla and Damascus Cities during the Umayyad Period

Sayed Mahdi Khatami*

Somayeh Haghroosta**

Abstract

The Umayyad period is one of the most important historical periods in the early Islamic era because of its vast geographical area. The Umayyad conquered Eastern Roman influenced by ancient Greek and Roman art, before the advent of Islam. Therefore, Umayyad urban planning was affected by architectural and urban styles of Eastern Rome. At the same time, Islam had its influence on its architecture. This article aims to analyze urban structures of this period and examines two cities of Ramla (a new city built by Muslims) and Damascus (a city transformed by Muslims) as two major cases. The research method of this article is based on documentary examination and descriptive-interpretive analysis of various texts that have been analyzed by using qualitative strategies. The results of the study indicate that Muslims in the Levant created a kind of adaptive urbanization. It means that they often did not make major changes in conquered cities, and only adapted the urban elements to their needs.

Keywords: Islamic city, Urban Planning, Ramla, Damascus, Umayyad history.

* Assistant Professor, Department of Urban Planning and Design, Faculty of Art and Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran (Corresponding Author), s.khatami@modares.ac.ir

** Ph.D. Candidate of Urban Planning, Faculty of Art and Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran, s.haghroosta@modares.ac.ir

Date received: 12/04/2024, Date of acceptance: 04/08/2024





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تحلیل ساختار شهرهای رمله و دمشق در دوره امویان

سیدمهدی خاتمی*

سمیه حق روستا**

چکیده

دوره امویان به لحاظ دارا بودن بزرگ‌ترین قلمروی جغرافیایی، از مهم‌ترین دوره‌های تاریخی صدر اسلام به شمار می‌رود. امویان سرزمین‌های تحت حکومت رم شرقی را که تا قبل از ورود اسلام متأثر از هنرهای یونانی و رومی باستان بودند، فتح کردند. از این رو شهرسازی امویان از حیث تأثیرگذاری اسلام و تأثیرپذیری از سبک‌های معماری و شهرسازی رم شرقی، حائز اهمیت است. این مقاله در تلاش است تا به تحلیل ساختار شهری این دوره بپردازد و دو شهر رمله (شهر جدید ساخته شده توسط مسلمانان) و شهر دمشق (شهر تغییر شکل یافته توسط مسلمانان) را به عنوان نمونه، مورد بررسی قرار دهد. روش تحقیق مقاله، بررسی اسنادی و تحلیل‌های توصیفی - تفسیری متون مختلف است که با بهره‌گیری از راهبردهای کیفی مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که مسلمانان در شام، نوعی شهرسازی تطبیقی را ایجاد کردند؛ به این معنا که غالباً تحولات اساسی در شهر ایجاد نمی‌کردند و تنها عناصر شهری را با نیازهای خود منطبق می‌کردند.

کلیدواژه‌ها: شهر اسلامی، شهرسازی، رمله، دمشق، تاریخ امویان.

* استادیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول)،

s.khatami@modares.ac.ir

** دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران،

s.haghiroosta@modares.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۱۴



۱. مقدمه

در چند دهه گذشته، بسیاری از مقالات و کتاب‌ها (چه در ایران و چه در خارج از کشور) موضوع «شهر اسلامی» را به خود اختصاص داده و با رویکردهای متفاوت به آن پرداخته‌اند. یکی از این رویکردها، بررسی سیر تحول تاریخی شهرهای اسلامی است که به دلایل مختلف از جمله کمبود منابع علمی و معتبر تاریخی، در ایران کمتر مورد توجه محققان قرار گرفته است. تحلیل تاریخی شهر اسلامی، از هجرت پیامبر اکرم (ص) از مکه به مدینه (نخستین شهر اسلامی) آغاز می‌شود و پس از دوران پیامبر و خلفای راشدین، دوران امویان مورد توجه قرار می‌گیرد. دوره اموی که با به خلافت رسیدن معاویه در سال ۴۱ ه.ق/۶۶۱ م. آغاز و با سقوط آن‌ها توسط عباسیان در سال ۱۳۲ ه.ق/۷۵۰ م. پایان می‌پذیرد، بزرگ‌ترین قلمرو در تاریخ اسلام را به خود اختصاص داده و نقطه مهمی در تاریخ شهر اسلامی به شمار می‌رود. امویان، برخلاف خلفای پیشین که همگی در سرزمین حجاز و عراق حکومت می‌کردند، سرزمین شام (سوریه امروزی) را به عنوان مرکز حکومت خود انتخاب کردند و پایتخت را به شهر دمشق منتقل نمودند. از آنجایی که سرزمین شام تا قبل از فتح اسلام، تحت حکومت روم شرقی (بیزانس) قرار داشت، متأثر از هنرهای یونانی و رومی باستان بود؛ بنابراین این دوره از آن جهت اهمیت دارد که منجر به آشنایی مسلمانان با روش‌ها و سبک‌های جدید معماری و شهرسازی شد.

از سوی دیگر، نوع برخورد مسلمانان در سرزمین‌های فتح‌شده‌ی شام نیز حائز اهمیت است؛ مسلمانان در شام (سوریه)، برخلاف عراق که اقدام به ساخت شهرهای جدید می‌کردند، غالباً تمایل داشتند در شهرهای موجود ساکن شوند؛ بنابراین نوعی از شهرسازی و معماری تطبیقی را ایجاد کردند؛ به این معنا که در مواجهه با شهرهای موجود، غالباً تغییرات اساسی در شهر ایجاد نمی‌کردند و تنها عناصر شهری را مطابق با نیازهای خود تغییرات جزئی می‌دادند. با وجود ویژگی‌های منحصربه‌فرد شهرسازی امویان که به دلیل ارتباط با فرهنگ روم شرقی هم از آن تأثیر پذیرفتند و هم بر آن اثر گذاشتند، کمتر مطالعه‌ای به تحلیل ساختار شهری این دوره پرداخته است. یکی از علل این امر را می‌توان وجود اطلاعات اندک از ویژگی‌های نخستین شهرهای اسلامی دانست.

در این مقاله پس از معرفی اجمالی ویژگی‌های دوره تاریخی خلافت امویان، به معرفی انواع شهرهای این دوره پرداخته می‌شود. در این گونه‌شناسی، شهر رمله، به عنوان یک شهر تازه تأسیس که توسط مسلمانان ایجاد شد و دمشق به عنوان شهر تغییر یافته توسط مسلمانان، از

اهمیت بسزایی برخوردار است. چراکه این دو شهر به جهت پایتخت بودن در دوره اموی، بازتاب‌دهنده ویژگی‌های شهرسازی مسلمانان در آن دوره هستند. از این رو، در این مقاله عناصر شهری دو شهر رمله و دمشق بررسی شده و در نهایت ساختار شهر در دوره امویان مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد.

۲. گستره حکومت امویان

زمانی که اسلام در شبه‌جزیره عرب ظهور کرد دو قدرت مطرح بر خاورمیانه حکومت می‌کردند. امپراتوری بیزانس (روم شرقی) در غرب و امپراتوری ساسانیان ایران در شرق بر سر تسلط بر سرزمین‌های منطقه در رقابت بودند. در این زمان، مسلمانان، به‌منظور گسترش اسلام بسیج شدند و سرزمین‌های دو امپراتوری را یکی پس از دیگری فتح کردند. به این ترتیب شهرهای مهمی در شام، مصر و ایران به تصرف مسلمانان درآمد.

پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) در سال ۱۱ ه.ق/۶۳۲ م. نخستین خلفا از میان صحابه پیامبر (ص) برگزیده شدند. در سال ۴۱ ه.ق/۶۶۱ م. معاویه، از یکی از ثروتمندترین خانواده‌های مکه، توانست قدرت را تصاحب و سلطنتی موروثی تأسیس کند. خلافت اموی (۴۱ - ۱۳۲ / ۶۶۲ - ۷۵۰ م) دومین خلافت اسلامی بعد از خلفای راشدین و دارای بزرگ‌ترین قلمرو در تاریخ اسلام است. تا سال ۱۲۲ ه.ق/۷۴۰ م، امپراتوری امویان از اسپانیا در غرب تا سند (پاکستان امروزی) در شرق کشیده شده بود (باروکاند، ۱۳۸۶: ۲۹).

از خصوصیات دوره اموی، رفاه‌طلبی و دنیاداری بود که آثارش در سرزمین‌های تحت حکومت پدیدار شد و توجه عالم اسلام به دنیای مادی افزایش یافت. به‌طوری‌که خلفای اموی، به ساختن بناهای عظیم به پیروی از کاخ‌های پادشاهان ایران و حکمرایان بزرگ روم شرقی، اهتمام ورزیدند و تلاش و رویکردی متفاوت در معماری دوره امویان پیدا شد (زمانی، ۱۳۹۰: ۵۴). بازتاب این تلاش‌ها در دمشق، پایتخت خلافت اسلامی در دوره اموی، منجر به شکل‌گیری هنر مسلمانان در این دوره و پیدایش سبک اموی شد.

انتقال پایتخت به دمشق در سوریه بیزانسی که وارث سنت‌های معماری یونان و رم بود، منجر به آشنایی مسلمانان با روش‌ها و سبک‌های جدید معماری و شهرسازی شد. این دوره تأثیر عمیقی در تاریخ اسلام داشت و میان فرهنگ مسیحی موجود در سوریه و عراق پیوند برقرار کرد (تولایی خوانساری، ۱۳۸۸: ۸۹).

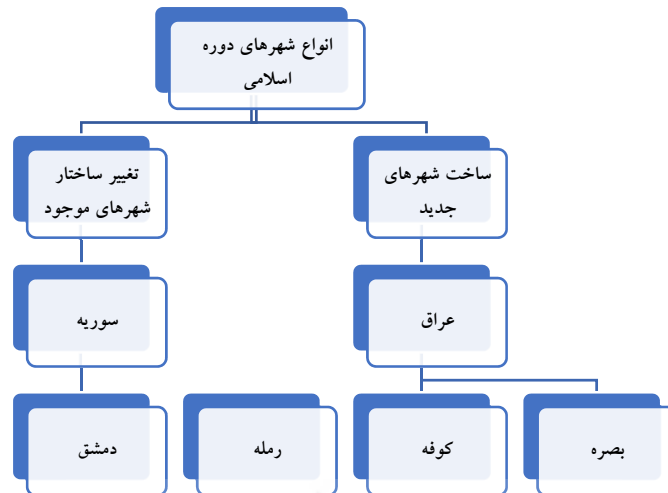
۳. انواع شهرهای اسلامی در دوران اولیه خلافت

اسلام دینی شهرگراست و در شهر رشد و نمو یافته است. مسلمانان برای توزیع جمعیت، یا شهرهای جدید ایجاد می‌کردند و یا شهرهای موجود را مطابق با نیازهای خود تغییر شکل می‌دادند. آن‌ها در مکان‌های مختلف رویکردهای متفاوتی داشتند. به‌عنوان مثال در عراق، اقدام به ساخت شهرهای جدید کردند اما در شام (سوریه) تمایل داشتند در شهرهای موجود ساکن شوند. از این رو، داستان عرب‌ها در سوریه فصل دیگری را به تاریخ شهرنشینی مسلمانان اضافه می‌کند؛ چراکه هویت و ذهنیت مسلمانان را در شکل‌دهی تطبیقی به فرم شهری آشکار می‌کند.

برخی مورخان علت این تمایل مسلمانان را نوع فتح شهرهای این منطقه می‌دانند. از آنجایی که اغلب شهرهای سوریه نه با جنگ بلکه با صلح و بر اساس معاهده و توافق فتح شدند، مسلمانان نیازی به جداسازی خود از مردم محلی احساس نمی‌کردند (Alsayyad, 1991: 78). با وجود اهمیت شهرهای این منطقه، الگوی مهاجرت اعراب و سکونت آن‌ها در سوریه کمتر شناخته شده است.

برخلاف بصره و کوفه در عراق، شهرهای نظامی سوریه به شهرهای مهمی تبدیل نشدند. علت این امر را می‌توان به تمایل اعراب برای سکونت در شهرهای موجود مثل دمشق، حلب و حمص دانست. البته تنها نمونه شهر جدید ساخته‌شده در سوریه، شهر رمله است که توسط سلیمان بن عبدالملک (هفتمین خلیفه اموی) به‌عنوان پایتخت احداث شد. با این وجود، دمشق مهم‌ترین شهر سوریه است. دمشق از این جهت اهمیت زیادی دارد که پایان‌بخش حدود ۱۰۰۰ سال برتری غرب بوده و نحوه مواجهه مسلمانان با شهرهای موجود فتح‌شده را نشان می‌دهد (الصیاد، ۱۳۷۴: ۳۴۲).

اگر نوع برخورد مسلمانان با شهر در دوران اولیه اسلامی را به دودسته کلی تقسیم کنیم: ۱. ساخت شهرهای جدید و ۲- تغییر ساختار شهرهای موجود، در این بخش از مقاله به معرفی یک شهر از هر دسته پرداخته می‌شود. یکی شهر «رملة»، به‌عنوان تنها شهر جدید احداث‌شده در محدوده شام در دوره اموی و دوم شهر «دمشق»، به‌عنوان شهر فتح‌شده توسط مسلمانان.



نمودار ۱. انواع شهرهای دوره اسلامی

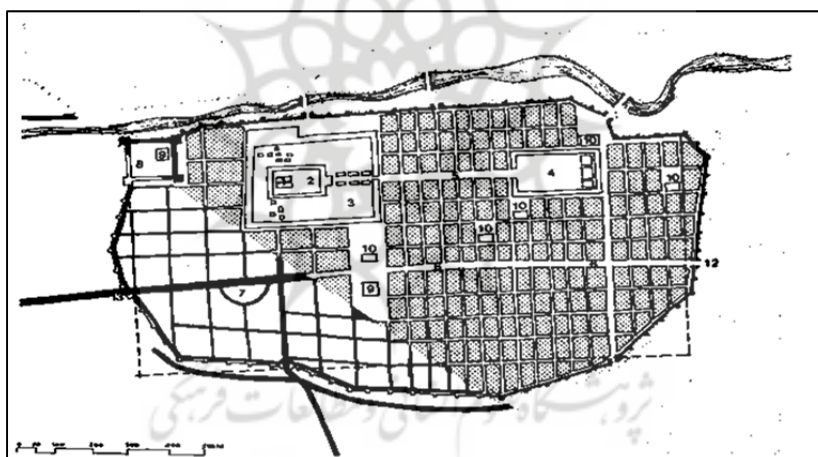
۱.۳ بررسی و تحلیل ساختار شهر دمشق

کمتر از ۲۰ سال پس از رحلت رسول اکرم (ص) دولت اسلامی با پیروزی بر امپراتوری بیزانس، دو کشور مصر و سوریه را به تصرف خود درآورد و در همین مدت زمان بر سراسر بین‌النهرین و ایران ساسانی نیز دست یافت. از آن پس اعراب با معماری و هنر ایران، مصر و سوریه آشنا شدند و هنر اسلامی رو به تکامل گذارد (مرزبان، ۱۳۸۶: ۱۲۳-۱۲۴). آثار این رشد در معماری و شهرسازی دوره متقدم اسلامی بروز پیدا کرده است.

مسلمانان پس از ورود به شهرهای فتح شده در سرزمین سوریه غالباً تغییر کالبدی گسترده‌ای در آن ایجاد نمی‌کردند. شهرهای قدیمی که دروازه‌های خود را -چه به زور یا به رضا- بر روی دولت اسلامی باز کرده بودند بدون آنکه متحمل دگرگونی‌های عمده کالبدی-فضایی شوند با ایجاد عناصر جدید و جایگزینی آن‌ها در عناصر کهن، مثل مسجد جامع حال و هوای جهان‌بینی جدید را در خود می‌دمیدند (حیبی، ۱۳۸۶: ۵۰). شهر دمشق از جمله این شهرها است. دمشق از زیباترین شهرهای مسلمانان به شمار می‌رفته به طوری که ابن بطوطه در توصیف آن، به سخن ابن جبیر^۱ اشاره می‌کند که: «دمشق بهشت شرق و مطلع نور تابان است. این شهر تا آنجا که ما جسته و دیده‌ایم خاتمه بلاد اسلام و عروس شهرها است (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ج ۱/۱۲۳)». در ادامه به ویژگی‌های این شهر پرداخته می‌شود.

۲.۳ تاریخچه شهر دمشق

نخستین اشاره به شهر دمشق متعلق به هنگامی است که پایتخت پادشاهی کوچک سلسله آرامی در قرن یازده پیش از میلاد بود. ویژگی‌های نقشه شهر در قبل از میلاد، معبد ژوپیتر، آگورا، یک شبکه چهارخانه‌ای متحدالشکل و بلوک‌های کوچک خانه‌ها در قطعاتی با اندازه معین بود. سپس دمشق تحت فرمان حکومت رم درآمد. از ویژگی‌های طرح شهر در این دوره، شکل مستطیلی شهر، دیوار دفاعی (بارو)، هفت دروازه، یک کاستروم^۲ و دو خیابان سرپوشیده بود که یکی از شرق به غرب شهر کشیده شده (مانند فضای دکومانوس^۳ در شهرهای رومی) و دیگری، جاده‌ای قدیمی بود که معابد و آگورا را به یکدیگر متصل می‌کرد. در ۳۹۵ میلادی، زمانی که دمشق بخشی از امپراتوری روم شرقی را به خود اختصاص داد، بنای کلیسا در شهر ایجاد شد. معبد ژوپیتر که تا آن زمان متروکه شده بود، بازسازی شد و به صورت یک کلیسا، تغییر شکل داده شد (الصیاد، ۱۳۷۴: ۳۴۴-۳۴۵).



تصویر ۱. نقشه رومی دمشق در آغاز قرن هفتم میلادی پیش از تصرف مسلمانان

Alsayyad, 1991: 86

زمانی که مسلمانان با دمشق روبرو شدند آن را به تناسب نیازهای خود تغییر دادند و مسجدی در آن برپا کردند (بنه ولو، ۱۳۸۶: ۷). نظم و فضای معابر نیز تا حدی مورد بی‌توجهی قرار گرفت، اما شبکه شطرنجی شهر همچنان قابل مشاهده و از لحاظ کارکردی قابل استفاده بود. می‌توان گفت، تسلط مسلمانان تأثیر چندانی بر شکل شهر دمشق نداشته است.

۳.۳ عناصر شهر دمشق پس از فتح اسلام

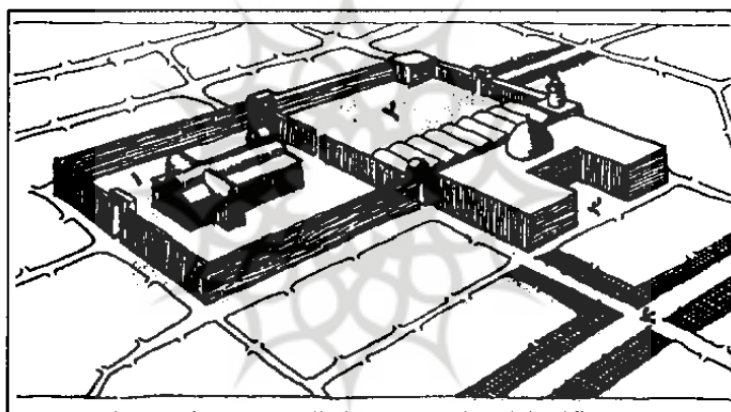
زمانی که مسلمانان با مناطق شهری تمدن هلنی روبرو شدند و شهرهای آن را تصاحب کردند، در ابتدا تغییرات زیادی در آن‌ها ایجاد نکردند. در دمشق در ناحیه مقدس شهر مسجدی برپا کردند (بنه ولو، ۱۳۸۶: ۷)؛ بنابراین در ابتدای ورود مسلمانان به دمشق برخی عناصر شهری چون مناطق مسکونی، فضای مذهبی و شبکه معابر قابل بررسی هستند. اما در حکومت معاویه که دمشق پایتخت خلافت بنی امیه شد، ساخت و ساز بناهای مذهبی و حکومتی در شهر آغاز شد. نزارالصیاد که مطالعات جامعی در خصوص شهر دمشق انجام داده معتقد است معاویه نظام خلافت را تغییر شکل داد و قصد تغییر آن به یک نظام پادشاهی را داشت؛ به طوری که عنوان «ملک» را برای خود برگزید. در دوره پایتختی دمشق (در دوران معاویه و پس از آن)، برخی عناصر شهری چون قصرالخضرا (کاخ سبز)، مسجد جامع دمشق و عناصر فرهنگی قابل بررسی هستند که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود.

۴.۳ مناطق مسکونی

دمشق که به پایتختی امویان انتخاب شد، شهری مسیحی نشین و یکی از مهم‌ترین مراکز بیزانس به حساب می‌آمد. دمشق از نظام اداری پیشرفته‌ای برخوردار بود. مسلمانان به کارمندان این ادارات اجازه دادند تا در صورت تمایل در دمشق باقی بمانند و به کار خود ادامه دهند. بخشی از این افراد، پیشنهاد مسلمانان را پذیرفتند و برخی دیگر به قلمرو بیزانس مهاجرت کردند (ایازی، ۱۳۹۵: ۸۶-۸۸). خانه‌های یونانی‌زبانانی که شهر را ترک کردند توسط اعراب تازه وارد اشغال شد. اگرچه برخی مورخان معتقدند که ساکنان دمشق به اجبار خانه‌هایشان را ترک کرده‌اند اما بسیاری از منابع تاریخی به پیمان عرب‌ها با مسیحیان اشاره دارد. در هر صورت؛ چه تخلیه به صورت اختیاری بوده چه اجباری، مسلمانان به تدریج در خانه‌های خالی دمشق ساکن شدند (Alsayyad, 1991: 8). اطلاعات بسیار کمی درباره محل دقیق زندگی این مسلمانان وجود دارد اما پرواضح است که آنان در محله‌ی خاصی مستقر نشدند. به نظر می‌رسد فرماندهان پادگان‌های مختلف، تعدادی از خانه‌های خالی را در محل‌های گوناگون تحویل گرفتند؛ بنابراین مسلمانان در ابتدا، در هیچ محله مشخصی از شهر زندگی نمی‌کردند.

۵.۳ فضای مذهبی

مهم‌ترین موضوع در تغییر شکل بناهای دمشق در دوره مسلمانان راجع به مسجد است. محوطه‌ای که مسلمانان انتخاب کردند، متعلق به کلیسای پیشین سنت جان بود. برخی معتقدند کلیسا به دو قسمت تقسیم شد و نیمه شرقی آن اشغال شد؛ اما برخی دیگر تقسیم کلیسا به دو قسمت را امکان‌پذیر نمی‌دانند (Alsayyad, 1991: 84). کرسول معتقد است مسلمانان فقط در نیمه شرقی معبد قدیمی یا تمنوس که در خارج از ساختمان کلیسا بود، استقرار یافتند (کرسول، ۱۳۹۳: ۵۶). در برخی از منابع تاریخی به مسجد واقع در نزدیکی کلیسا در دمشق به‌عنوان یک مصلا اشاره شده است. بنابراین به نظر می‌رسد مسلمانان پس از ورود به شهر دمشق، بخشی از فضای خالی مجاور کلیسا را به‌عنوان مصلا، برای عبادت اختصاص دادند.



تصویر ۲. بازسازی مسجد دمشق، کلیسای سنت جان و قصر معاویه
کلیسای سنت جان ۲- مسجد اموی ۳- قصر الخضرا ۴- بازار

Alsayyad, 1991: 89

۶.۳ شبکه معابر

به اعتقاد نزار الصیاد، با فتح دمشق توسط مسلمانان، نظم هندسی شهر قدری کاهش یافت و نظم ارگانیک تا حدی گسترش پیدا کرد. اگرچه بسیاری از تغییرات روی خیابان‌های شهر انجام شد، اما شکل شطرنجی تا حدی باقی مانده و آشکار بود. با ورود مسلمانان، نظم هندسی معابر تا حدی مورد بی‌توجهی قرار گرفت، اما شبکه ارتباطی هنوز قابل مشاهده و از لحاظ کارکردی قابل استفاده بود. به نظر می‌رسد مسلمانان تا حدی تحت تأثیر نظم هندسی شهر قرار گرفته

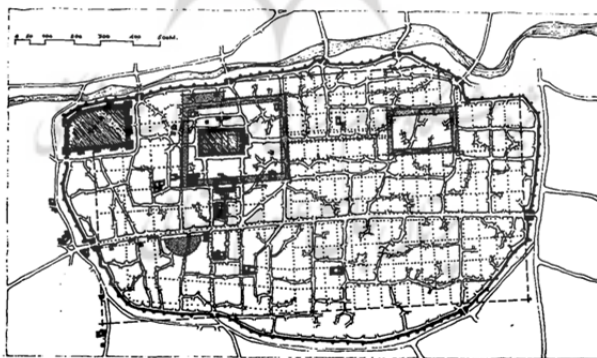
تحلیل ساختار شهرهای رمله و دمشق ... (سیدمهدی خاتمی و سمیه حق روستا) ۶۷

بودند، به‌ویژه معبر طولانی دکومانوس که آن را «مستقیم» می‌نامیدند، نامی که تقریباً به مدت ۱۰ قرن باقی ماند (Alsayyad, 1991: 83).



تصویر ۳. نمونه بازسازی نقشه هوایی دمشق در دوره اسلامی
(Alsayyad, 1991: 92)

تصویر زیر، شبکه شطرنجی دوره هلنیستی شهر دمشق را با دوره اسلامی مورد مقایسه قرار داده است؛ همان‌طور که مشاهده می‌شود نظم شبکه معابر در دوره اسلامی تا حدی تحت تأثیر قرار گرفته است.



تصویر ۴. مرکز شهر دمشق و مسجد بزرگ آن، بافت شهر عربی بر آثار شهر هلنی قرار گرفته و نظم و ترتیب آن را تا حدی بر هم زده است. رنگ سیاه نمودار ساختمان‌های عظیم و تاریخی شهر عربی و هاشورها معرف بناهای ناپدیدشده شهر هلنی است.

(بنه ولو، ۱۳۸۶: ۸)

۷.۳ قصرالخضراء یا کاخ سبز معاویه

زمانی که معاویه، والی دمشق بود، در یکی از قصرهای قدیمی روم شرقی در درون شهر، زندگی می‌کرد. چند سال پس از آغاز خلافتش، برای خود قصری ساخت که به «قصرالخضراء» یا «قصر سبز» معروف شد. برخی معتقدند قصر، دارای گنبد سبزرنگ بوده است؛ برخی دیگر نیز بر این باورند که به دلیل استفاده از سنگ مرمر سبزرنگ در آن به قصر سبز معروف شده است (الصیاد، ۱۳۸۷: ۵۸). معاویه، بنیان‌گذار سنت کاخ سازی در اسلام بود. وی در پاسخ به اعتراض مؤمنان در ساخت این کاخ چنین گفت: ما کنار روم زندگی می‌کنیم و جاسوسان آنان به شهر ما می‌آیند، باید در برابر آنان از ابهت برخوردار باشیم و از ساده زیستی پرهیزیم (دایره المعارف اسلام پدیا، ۱۳۹۵). با توجه به آنکه آثاری از این کاخ برجای نمانده است، اطلاعات کمی درباره آن وجود دارد. بیشتر خلفا در مسجد به امورات خلافت می‌پرداختند. اما ممکن است به دلیل وجود اختلاف بر سر جانشینی وی، قصد داشته تا از طریق ساخت کاخ و برگزیدن عنوان ملک، موقعیت خود را رسمیت ببخشد. این کاخ ابتدا با آجر ساخته شد و نزدیک دیوار جنوبی مسجد و روبه‌قبله قرار گرفت؛ اما بعدها نمای سنگی برای آن می‌سازند تا از آتش در امان باشد. مسجد و دارالخلافه در دمشق اولیه بخشی از یک واحد یکپارچه بودند که حکومت و مذهب را باهم ارتباط می‌دادند.

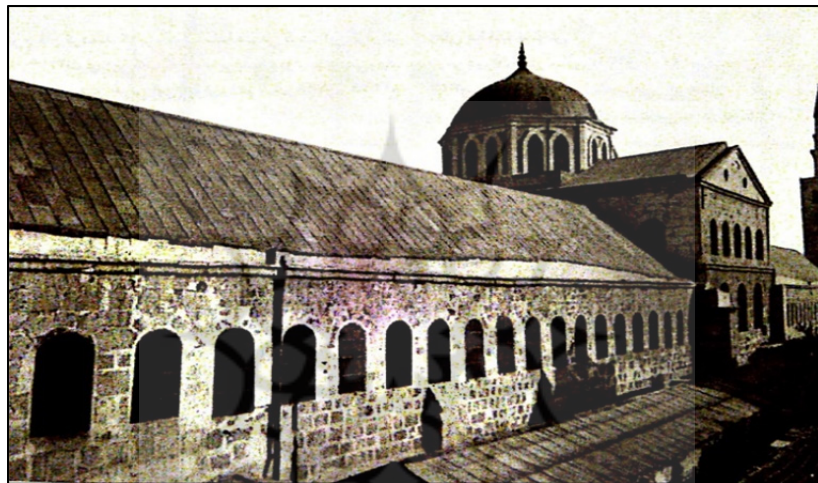
۸.۳ مسجد جامع دمشق

وقتی خلافت معاویه در سال ۴۱ ه. ق. رسمیت یافت، دمشق پس از مدینه به مرکز جدید خلافت و اصلی‌ترین پایگاه امویان تبدیل شد. در اوایل دوره اموری به‌جز ساخت کاخ الخضراء در کنار مسجدجامع اموی تغییر چندانی در ساختمان‌ها و نقشه شهری دمشق پدید نیامد؛ اما در سال‌های بعد به دلیل نیاز به تثبیت و تحکیم قدرت خلافت، فرصتی پیش آمد تا با نوسازی شهر و ایجاد بناهای عظیم، دولت خود را در چشم رقیبان جلوه دهند. مهم‌ترین این اقدامات بنای جامع عظیم اموی به دستور ولید بن عبدالملک بود (دانشنامه جهان اسلام، ۱۳۹۳: ج ۱۸). علی‌رغم پیشینیان، ولید با عبادت در مسجد ساده و بی‌تکلفی که در بخشی از فضای کلیسا ساخته شده بود موافق نبود و تصمیم گرفت کارهایی در این زمینه انجام دهد. ولید اقدام به ساخت یک مسجد بزرگ می‌کند که تا قبل از آن وجود نداشته است. او مسجد را روی کلیسای قدیمی شهر بنا کرد. برخی معتقدند ولید، کلیسای مسیحیان را تخریب کرد و جای آن مسجدجامع ساخت. برخی دیگر معتقدند کلیسا تخریب نشده بلکه به سادگی فتح‌شده و کار

تحلیل ساختار شهرهای رمله و دمشق ... (سیدمهدی خاتمی و سمیه حق روستا) ۶۹

ولید اضافه کردن گنبد و بازسازی کلیسا بوده است. او ابتدا تصمیم گرفت، گنبد مسجد جدید را با طلا بپوشاند؛ اما به دلیل بالا بودن قیمت طلا، آن را با سرب (که در آن زمان جزو فلزات گران بها به شمار می‌رفت) جایگزین کرد (Alsayyad, 1991: 98). مقدسی بیان می‌کند که:

ولید برای ساخت مسجد جامع دمشق کارگران ماهر را از ایران، هند، مغرب و بیزانس فراخواند و عایدی هفت سال سوریه و نیز بار هجده کشتی طلا و نقره حمل شده از قبرس را به اضافه ابزار و مکعب‌های موزاییکی که پادشاه روم به‌عنوان هدیه فرستاده بود، صرف آن کرد (مقدسی، ۱۳۸۵: ۲۲۲).



تصویر ۵. دیوار جنوبی مسجد جامع دمشق

(کرسول، ۱۳۹۳: ۴۷)

افراد بسیاری در وصف زیبایی‌های مسجد جامع دمشق سخن گفته‌اند. کرسول در رابطه با زیبایی مسجد جامع دمشق می‌نویسد: «سراسر مسجد را با مرمر سپید فرش کرده بودند و دیوارها را نیز با همین سنگ پوشانده بودند». مقدسی از «سازمان شگفت‌انگیز مرمرهای رنگارنگ» گفته و از اینکه چگونه رگه‌های سنگ‌ها هماهنگ بوده است (کرسول، ۱۳۹۳: ۵۷). ابن بطوطه در سفرنامه خود می‌نویسد:

جامع دمشق معروف به مسجد بنی‌امیه باشکوه‌ترین مساجد دنیا و از لحاظ هنری که در ساختمان آن به کار برده شده عالی‌ترین آن‌هاست. این مسجد از حیث زیبایی و دلگشایی و کمال بی‌نظیر است. ولید از امپراتور روم در قسطنطنیه درخواست کرد که صنعتگرانی از

آنجا برای او گسیل دارد. دوازده هزار صنعتگر از روم به دمشق آمدند و بنای مسجد را بر عهده گرفتند (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ج ۱/۱۲۴).

یاقوت حموی نیز وصف زیبایی‌های دمشق و مسجد جامع آن می‌نویسد:

مسجد جامع دمشق در زیبایی ضرب‌المثل است. هیچ شهری به اندازه دمشق به بهشت تشبیه نشده است و هیچ زیبایی برای بهشت نگفته‌اند مگر اینکه در دمشق پیدا شود و هیچ چیز در جهان نیست مگر آنکه در دمشق مانند آن یا بهتر از آن یافت شود (یاقوت حموی، ۱۳۸۳: ج ۲/۳۹۲).

۹.۳ تغییرات فرهنگی

اگرچه دمشق در دوره معاویه پایتخت بود، اما شکل کالبدی و زندگی روزانه این شهر چندان تغییری نکرد. زبان یونانی به عنوان زبان اداری باقی ماند و سیمای عمومی شهر با وجود تغییر بزرگ فرهنگی در آن (ورود اسلام) به شکل پیشین بر جای ماند. در دوره معاویه، فاصله مذهبی بزرگ جلوه داده نمی‌شد و سیاست‌مداری خلیفه بسیاری از مسیحیان را وارد بارگاهش کرد (Alsayyad, 1991: 92,94). مسیحیان در این دوره از وضعیت مطلوبی برخوردار بودند و بسیاری از آنان جایگاه‌های رفیعی در دولت اموی داشتند. اما در دوره عبدالملک و عبدالولید سیاست حکومت تغییرات چشمگیری کرد؛ عربی‌سازی حکومت (زبان و پول) اتفاق افتاد و پول رایج عرب، جایگزین سکه‌های بیزانسی شد. همچنین مقامات مسیحی در بارگاه اموی، با مقامات مسلمان عرب‌زبان جایگزین شد (ایازی، ۱۳۹۵: ۸۶-۸۸).

جدول ۱. عناصر شهری دمشق در دوران اموی

توضیحات	عناصر شهری دمشق در دوران اموی	
با ورود مسلمانان، نظم هندسی معابر تا حدی مورد بی‌توجهی قرار گرفت، اما شبکه شطرنجی معابر از لحاظ کارکردی قابل استفاده بود.	شبکه معابر	ابتدای ورود مسلمانان
پس از ورود مسلمانان به شهر، بخشی از فضای مقدس شهر (نیمه شرقی فضای کلیسا) به عبادت مسلمانان اختصاص یافت.	مصلا (مسجد اولیه)	
مسلمانان در هیچ جای مشخصی از شهر زندگی نمی‌کردند و در محلات گوناگون و در خانه‌های خالی ساکن شدند.	محلات مسکونی	

عناصر شهری دمشق در دوران اموی	توضیحات
قصر الخضرا	معاهده چند سال پس از آغاز خلافتش، «قصر الخضرا» را ساخت. مسجد و قصر الخضرا بخشی از یک واحد یکپارچه بودند که حکومت و مذهب را با هم ارتباط می دادند.
مسجد جامع دمشق	ولید با عبادت در مسجد ساده و بی تکلف (مصلای) موافق نبود و شروع به احداث مسجد جامع دمشق کرد که یکی از مهم ترین آثار معماری دوره اموی به شمار می رود.
عناصر فرهنگی	در دوران معاویه زبان یونانی به عنوان زبان اداری باقی ماند و فاصله مذهبی بزرگ جلوه داده نمی شد؛ اما در دوره های بعدی عربی سازی حکومت (زبان و پول) اتفاق افتاد.

۴. بررسی و تحلیل ساختار شهر رمله

نوع برخورد مسلمانان در مواجهه با سرزمین های فتح شده یا تغییر آن ها بر اساس نیاز خود (مانند آنچه در دمشق اتفاق افتاد) و یا ایجاد شهرهای جدید بود. اولین تجربه ایجاد شهر جدید توسط مسلمانان در شهر کوفه به منصف ظهور رسید. شهرهای نویناد مسلمانان عمدتاً پایگاه های نظامی بودند که دولت اسلامی برای حفظ ارتباط سپاهیان خود با مبدأ حرکت آن ها برپا می کرد. این گونه شهرها گاه برای از رونق انداختن شهرهای قدیمی نیز ساخته می شدند. در هردو صورت شهر جدید در کنار شهر کهن یا فاصله ای اندک از آن برپا می شد. از آنجایی که سرزمین شام با صلح فتح شد، مسلمانان تمایل کمتری به جداسازی خود از مردم بومی احساس می کردند بنابراین در شهرهای موجود ساکن شدند. تنها نمونه شهر نویناد احداث شده توسط مسلمانان در این منطقه، شهر رمله است که با وجود اهمیت آن در دوران مقدم اسلامی منابع کمتری به آن پرداخته اند. در ادامه بر اساس منابع تاریخی و نتایج کاوش های باستان شناسی، ساختار و ویژگی های شهرسازی این شهر ارائه می شود.

۱.۴ تاریخچه شهر رمله

عمر بن خطاب (خلیفه دوم در صدر اسلام) پس از فتح سرزمین فلسطین، آن را به دو قسمت تقسیم کرد. پایتخت یک قسمت را اورشلیم و پایتخت قسمت دیگر را شهر لود (Lod) قرار داد. در آغاز قرن هشتم میلادی، سلیمان بن عبدالملک (هفتمین خلیفه اموی) در لود ساکن شد و رمله را در نزدیکی آن شهر، به عنوان پایتخت جدید، احداث کرد (Luz, 1997:30). اهمیت این شهر که در جنوبی ترین قسمت فلسطین واقع شده، از آن جهت است که تنها شهر جدیدی است که در دوران ۱۱۰۰ ساله حکومت مسلمانان در منطقه فلسطین احداث شده است

(دانشنامه جهان اسلام، ۱۳۹۵: ۲۰). رمله تنها شهر بزرگ منطقه فلسطین در اوایل دوره اسلامی به شمار می‌رود که به مرکز حکومتی و قطب تجاری تبدیل شد (Avni, 2014: 280). یکی از دلایل اصلی انتخاب این منطقه برای احداث پایتخت، ویژگی‌های جغرافیایی و طبیعی آن بوده است. رمله در جنوب غربی دشت ساحلی فلسطین، در بین کوهستان و دشت و روی یک زمین ماسه‌ای^۴ قرار گرفته بود؛ هم کنترل منطقه برای حکومت آسان بود و هم امکان دسترسی راحت به کل منطقه وجود داشت. با وجود نزدیکی این شهر به دریا، از حملات ناگهانی بیزانسی‌ها در امان بود. علاوه بر این مرکز تقاطع جاده‌های اصلی بود و پس از احداث، به سرعت به یک تقاطع مهم تجاری و توقفگاه مهم در مسیر روابط مسلمانان از دمشق تا فوستات (قاهره امروزی) تبدیل شد (Luz, 1997: 31).

۲.۴ عناصر اصلی شهر رمله

برای درک ساختار شهر رمله، اجزا و عناصر اصلی آن معرفی می‌شوند. این عناصر که عبارت‌اند از: برج و بارو، ورودی‌های شهر، شبکه معابر، بازار، مسجد، مناطق مسکونی، کانال‌های آب، گورستان و سایر عناصر شهری در ادامه توصیف می‌شوند. در رابطه با برخی از موارد، در منابع مختلف، دیدگاه‌های ضدونقیضی وجود دارد که به آن‌ها اشاره می‌شود.

۳.۴ برج و بارو

کاوش‌های باستان‌شناسی نشان می‌دهد که اغلب شهرهای امویان، دارای دیوار بوده‌اند. ناصر خسرو نیز در سفرنامه خود، به وجود برج و بارو در شهر رمله اشاره می‌کند: «رملة شهرستانی بزرگ است و باروی حصین از سنگ و گچ دارد، بلند و قوی و دروازه‌های آهنین بر نهاده (ناصر خسرو، ۱۳۸۲: ۱۳۹)». با این وجود دیدگاه‌های متناقضی در این خصوص وجود دارد. از آنجایی که شهر رمله تا سال ۱۹۹۰ مورد کاوش‌های باستان‌شناسی قرار نگرفته بود، برخی محققان مانند نمرود لوز (Nimrod Luz)، از نتایج کاوش‌های باستان‌شناسی شهرهای مشابه و سایر منابع تاریخی مربوط به شهرهای مسلمان‌نشین دوره اموی استفاده کرده و به تحلیل شهر رمله پرداخته‌اند. به عقیده این محققان، شهر عنجر در لبنان شباهت بسیاری به شهر رمله دارد؛ مربوط به عصر امویان است و مشابه رمله برای اهداف سیاسی و حکومتی ایجاد شده است. از آنجایی که کاوش‌های انجام شده در این شهر وجود برج و بارو را تأیید می‌کند، می‌توان نتیجه گرفت که رمله نیز دارای برج و بارو بوده است (Luz, 1997: 32). از سوی دیگر،

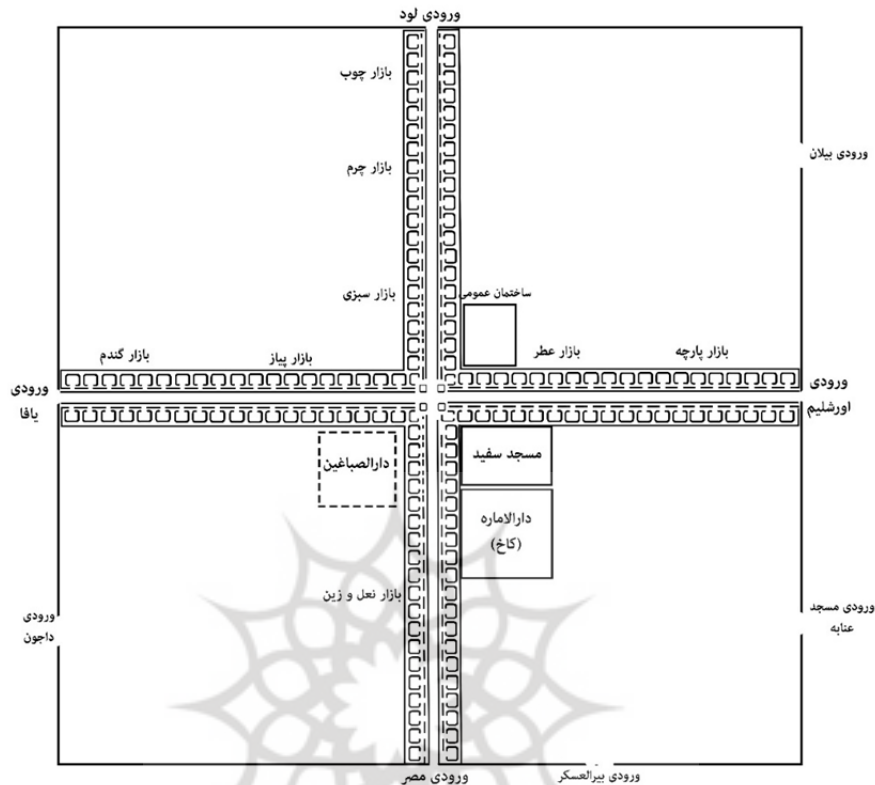
نتایج کاوش‌های باستان‌شناسی شهر رمله که در سال‌های اخیر منتشر شده، نشان می‌دهد که رمله شهری بدون دیوار بوده و هیچ مدرکی مبنی بر وجود دیوار در این شهر یافت نشده است (Shmueli, 2014: 288)؛ بنابراین با وجود آنکه منابع تاریخی نشان می‌دهد که برج و بارو یک عنصر مهم و ضروری برای شهرهای دوره اموی است، اما وجود این عنصر در اطراف شهر رمله همچنان در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.

۴.۴ ورودی‌های شهر

به عقیده مورخان اغلب شهرهای دوره اموی از دو خیابان عمود بر هم و چهار ورودی تشکیل شده‌اند. با این وجود شمس‌الدین مقدسی، جغرافیدان قرن چهارم هجری، به وجود ۸ ورودی برای شهر رمله اشاره می‌کند (Shmueli, 2014: 289). حتی در برخی منابع، به ۱۲ ورودی برای شهر نیز اشاره شده است که البته این تعداد، برای شهری با وسعت رمله زیاد به نظر می‌رسد؛ بنابراین، اگر به بررسی‌های مقدسی استناد شود، باید برای رمله ۸ ورودی در نظر گرفت. در هر جهت یک ورودی اصلی و یک ورودی فرعی قرار داشته و از هر ورودی اصلی، یک خیابان عریض به مرکز شهر، جایی که مسجد اصلی قرار داشته، کشیده می‌شده است. اسم ورودی‌ها از اسم مکان‌هایی که به آن‌ها منتهی می‌شود گرفته شده است (Luz, 1997: 35).

۵.۴ شبکه معابر

مسلمانان در طراحی شهرها در محدوده سرزمین شام تا حدودی تحت تأثیر معماری دوره بیزانس که متأثر از رم شرقی بود قرار داشتند. الگوی شهرهای اموی غالباً از شبکه کلاسیک شطرنجی به سبک طرح‌های رومی، پیروی می‌کند. در شهرسازی تمدن رم، دو محور اصلی شمالی-جنوبی و شرقی-غربی شهر را قطع می‌کرد؛ خیابان شمالی-جنوبی به «کاردو» و خیابان شرقی-غربی به «دکومانوس» معروف بود که یکدیگر را در مرکز شهر قطع می‌کردند و در نقطه تلاقی آن‌ها یک بنای مقدس ایجاد می‌شد (پاکزاد، ۱۳۸۸: ۱۳۴-۱۳۵). شهر رمله نیز بر اساس طرح شطرنجی ساخته شده و از دو خیابان شمالی-جنوبی و شرقی-غربی عمود بر هم که مسجد سفید در تقاطع آن‌ها قرار گرفته، تشکیل شده است (Avni, 2014: 281). به عقیده نمرود لوز، خیابان‌ها مراکز تجاری و شاهراه‌های اصلی هدایت‌کننده‌ی ورودی شهر به مرکز شهر بوده‌اند (Luz, 1997: 38).



تصویر ۶. ساختار پیشنهادی شبکه معابر شهر رمله

(Luz, 1997: 44)

۶.۴ مسجد سفید (مسجد الابيض)

سلیمان بن عبد الملک در رمله یک مرکز مذهبی (مسجد) ساخت که در مرکز شهر و در تقاطع دو خیابان عمود برهم، قرار گرفته بود (Luz, 1997: 39). مسجد جامع (مسجد الابيض) مهم ترین عنصر شهر اسلامی و اصلی ترین جزء شهر بود که در قلب شهر و در مرکز توجه قرار داشت. شکوه و عظمت مسجد نشان دهنده اصالت و ویژگی شهر اسلامی است؛ چراکه تنها در یک شهر مسلمانان نشین مسجد در مرکز شهر قرار می گیرد (Luz, 1997: 45). معماری مسجد سفید، متأثر از معماری روم شرقی است. زیرا خلفای اموی به دلیل طبع مادی خود، هم به نمایش جلال و جمال می اندیشیدند و هم به رقابت با تمدن بلاد شرقی توجه می کردند؛ بنابراین در کاربرد مصالح مانند ساختمان های باشکوه رومی از سنگ بیشتر از آجر استفاده می شد. در

تحلیل ساختار شهرهای رمله و دمشق ... (سیدمهدی خاتمی و سمیه حق روستا) ۷۵

معماری دوره اموی، شبستان‌ها به صورت گنبدخانه ساخته نمی‌شد بلکه مانند کلیسا تالارهای بزرگ مستطیلی شکل و دارای ستون بودند. مسجد سفید هم مصداقی از دخالت سرزمین‌های مغلوب در شکل‌گیری هنر و معماری مسلمانان در دوره اموی محسوب می‌شود (غلامی، ۱۳۸۱: ۷۲).

مقدسی در وصف این مسجد که به مسجد سفید (مسجدالابیض) معروف است، می‌گوید که محرابی به بزرگی محراب آن نیافته است و منبرش صرف‌نظر از منبر بیت‌المقدس بهترین منابر است. کف ساختمان در قسمت‌های سرپوشیده از مرمر و صحن آن سنگفرش است. درها از چوب‌های مرغوب ساخته شده و منبت گردیده است (مقدسی، ۱۳۸۵: ۱۸۶). برخی مورخان معتقدند که اولین مسجد که در سال ۷۱۵ احداث شد مسجد کوچکی بوده است. مسجد اولیه تحت تأثیر زلزله تخریب شده و چندین بار مورد بازسازی قرار گرفته است (Foster, 2016: 10) و در دوره هارون‌الرشید و اواخر قرن ۸ یک مسجد بزرگ‌تر که دارای آب‌انبار بزرگ زیرزمینی است جایگزین آن شده است (Avni, 2014: 165).



تصویر ۷. مسجدالابیض (مسجد سفید) در شهر رمله

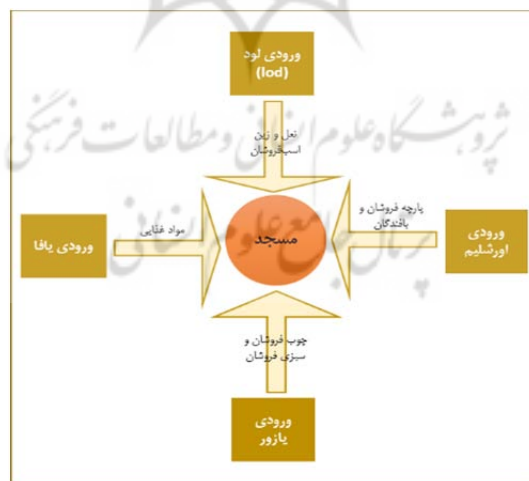
۷.۴ بازار

علاوه بر وجود مسجد، یکی از نشانه‌های شهرهای اسلامی اهمیت بازار در ساختار شهر بوده است؛ چراکه فرهنگ اسلامی بر مبنای تجارت بنا شده و شهرهای اسلامی علاوه بر تسلط بر مذهب، دارای ویژگی‌های تجاری نیز بوده‌اند (Luz, 1997: 45). جهانگردان و سفرنامه‌نویسان در گزارش‌های خود از شهر رمله به وجود بازارهای پررونق در این شهر اشاره کرده‌اند. به‌عنوان

مثال ابن بطوطه در سفرنامه خود رمله را شهری بزرگ و کثیرالخیر معرفی می‌کند که دارای بازارهای خوب است (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ج ۹۸/۱) و یا مقدسی در توصیف شهر رمله به بازرگانی سودمند و وجود مغازه‌های زیبا در این شهر اشاره می‌کند (مقدسی، ۱۳۸۵: ۲۳۱).

رملة به دلیل برخورداری از محصولات کشاورزی و قرارگیری در مسیر راه‌های تجاری، به‌عنوان مرکز تجاری شناخته شده است. در دوره امویان، رمله به یک بازار بزرگ تجارت بین‌المللی تبدیل می‌شود (Avni, 2014: 160). تعدادی از صنایع مثل بافندگی، رنگرزی و کوزه‌گری در نزدیکی مسجد شهر قرار داشته‌اند. بسیاری از محصولات کشف شده در رمله که همگی مربوط به قرن ۸ است، نشان‌دهنده فعال بودن صنایع در این شهر است. سازندگان عطر، مسگران، کوزه‌گران، گله‌داران و فروشندگان لباس و خرما در شهر رمله فعال بوده‌اند. می‌توان گفت ابتکارات حکومت و شرایط مطلوب کمک کرده‌اند تا رمله به یک مرکز اقتصادی تبدیل شود (Luz, 1997: 43-44).

نمرود لوز، در تحلیل ساختار شهری رمله، به وجود ۴ بازار که از ۴ ورودی شهر به مرکز کشیده شده است، اشاره می‌کند. به عقیده او، در این شهر شاهد وجود بازارهای تخصصی که در طول خیابان‌های اصلی از ورودی تا مسجد کشیده شده بودند هستیم. ورودی اورشلیم، بازار پارچه‌فروشان و بافندگان، ورودی یازور (Yazur) چوب‌فروشان و سبزی‌فروشان، ورودی یافا (Jaffa) مواد غذایی (از پیاز تا گندم) و آخرین ورودی نعل و زین اسب‌فروشان را شاهد هستیم (Luz, 1997: 39).



تصویر ۸ ساختار اصلی شهر رمله
(مسجد، ورودی‌های شهر، خیابان‌های تجاری و شبکه تخصصی بازار)

۸.۴ دارالاماره و دارالصباغین

گیدئون آونی (Gideon Avni)، علاوه بر مسجد، به دو عنصر اصلی در مرکز شهر رمله اشاره می‌کند: یکی دارالاماره که محل سکونت خلیفه بوده و دیگری دارالصباغین که کاربری آن تا حدی مبهم است. مورخان معتقدند اولین بنایی که در شهر رمله ساخته شده کاخ (دارالاماره) و بنایی تحت عنوان دارالصباغین بوده و سپس مسجد در شهر بنا شده است. یاقوت حموی در کتاب معجم البلدان، دارالصباغین (به معنای رنگرزان) را کاروانسرا معرفی می‌کند (یاقوت حموی، ۱۳۸۳: ج ۲/۵۵۰). برخی منابع، کاربری دارالصباغین را صنعتی و مکانی برای صنعت رنگرزی معرفی کرده‌اند (Avni, 2014: 160). بلاذری در کتاب فتوح البلدان، دارالصباغین را همان کاخ و دارالاماره سلیمان بن عبدالملک و اولین بنای احداث شده در شهر رمله معرفی می‌کند (بلاذری، ۱۹۸۸: ۱۴۵). بنابراین اگرچه همه مورخان بر وجود دارالاماره در شهر رمله اتفاق نظر دارند اما اینکه دارالصباغین همان دارالاماره بوده و یا کاربری متفاوتی داشته همچنان مبهم است.

۹.۴ مناطق مسکونی

بر اساس دیدگاه آونی، شهر رمله بر اساس یک الگوی استاندارد و از پیش طراحی شده ساخته شده است. او معتقد است ساختمان‌های مسکونی رمله در جهات شمالی-جنوبی و شرقی-غربی احداث شده‌اند (Avni, 2014: 170). کاوش‌های باستان‌شناسی نیز وجود ساختمان‌های مسکونی را مورد تأیید قرار می‌دهد (Luz, 1997: 39). این بناها، در ابعادی کوچک‌تر از عمارت‌های شهر و در قسمت شرق و جنوب شرقی شهر احداث شده‌اند. در نزدیکی مرکز شهر رمله، آثاری از ساختمان‌های مسکونی اشرافی که به صورت حیاط مرکزی ساخته شده‌اند مشاهده شده است. این ساختمان‌ها که مجهز به سیستم آب‌رسانی بوده و با موزاییک‌های رنگی سنگ‌فرش شده‌اند، با فضاهای باز و باغات از یکدیگر جدا شده‌اند (Shmueli, 2014: 277).

۱۰.۴ کانال‌های آب

همه مورخان بر وجود سیستم آب‌رسانی پیشرفته شهر رمله اتفاق نظر دارند. ناصر خسرو نیز در توصیف شهر رمله به این موضوع اشاره می‌کند که: «آب ایشان از باران باشد و اندر همه سرای حوض‌ها باشد که آب باران بگیرند و همیشه از آب ذخیره باشد. در میان مسجد آدینه حوض‌های بزرگ است که چون پرآب باشد هر که خواهد برگردد و نیز دور مسجد آنجا سبید

گام اندر دویست گام مساحت است (ناصرخسرو، ۱۳۸۲: ۱۳۹). کاوش‌های باستان‌شناسی نیز وجود یک سیستم آب‌انبار و کانال‌های آبی دقیق را تأیید می‌کند. گیدئون آونی نیز در توصیف ساختار مرکزی شهر رمله به وجود یک آب‌انبار بزرگ و قناتی که آب را به کاخ دارالاماره و ساختمان‌های مجاور آن هدایت می‌کند اشاره می‌کند (Avni, 2014: 166). نمرود لوز نیز معتقد است سلیمان‌بن‌عبدالملک به‌منظور تأمین آب شهر، یک کانال آب، تعدادی آب‌انبار و چندین چاه در شهر ایجاد کرده است. کاوش‌های باستان‌شناسی نیز نشان‌دهنده وجود مخازن پوشیده شده از آهک در رمله است (Luz, 1997: 40).

۱۱.۴ گورستان

در اولین کاوش‌ها در رمله، گورستان‌هایی مربوط به اوایل دوره اسلامی، کشف شده است. همه گورستان‌ها در خارج از محدوده شهر واقع شده‌اند (Luz, 1997: 40)؛ علت این امر را می‌توان اعتقاد به جداسازی زندگی و مرگ دانست. همه قبرهای کاوش شده، مشابه شیوه رایج در قبرستان‌های مسلمانان و روبه‌قبله (جهت شرقی غربی) بوده‌اند. اگرچه جمعیت محلی شهر غالباً مسلمان بوده‌اند اما منابع تاریخی به حضور یهودیان و مسیحیان نیز اشاره می‌کنند؛ باین‌وجود شواهدی از وجود قبرهای یهودیان و مسیحیان مشاهده نمی‌شود که علت آن را می‌توان وجود قبرستان‌های مجزا برای ادیان مختلف دانست (Avni, 2014: 174).

۱۲.۴ سایر عناصر شهری

آنچه در رابطه با عناصر شهری رمله در دوره امویان بیان می‌شود غالباً از شواهد و مدارک کتابخانه‌ای و کاوش‌های مختصر باستان‌شناسی استخراج شده است. از این‌روست که کشف بسیاری از عناصر شهری در رمله به دلیل انجام نشدن کاوش‌های جامع در این شهر مشکل است؛ به‌عنوان مثال کاروانسرا و حمام که جزو امکانات شهرهای امویان بوده قطعاً در رمله نیز وجود داشته است. شواهد این امر را می‌توان در آثار جهانگردانی که از این شهر بازدید کرده‌اند جست‌وجو کرد. مقدسی شهر رمله را این‌چنین توصیف می‌کند:

شهری دلگشا، زیبا، خوش‌ساخت، سبک آب، زرخیز و پر میوه است. در میان روستاهای بزرگ، شهرهای ثروتمند، زیارتگاه‌های گران‌قدر و دیه‌های خوب جا دارد. بازرگانی سودمند، زندگانی مرفه دارد. مهمانخانه‌ها زیبا، گرمابه‌ها پاکیزه، خوراکی‌ها گوارا و خورش بسیار. خانه‌ها گشاده، مسجدها نیکو و خیابان‌ها فراخ و همه‌چیز را با هم دارد. کشتزار

تحلیل ساختار شهرهای رمله و دمشق ... (سیدمهدی خاتمی و سمیه حق روستا) ۷۹

دیمی پر ثروت و برکت دارد. انجیر و خرما را با هم دارد. مغازه‌های زیبا در آن وجود دارد (مقدسی، ۱۳۸۵: ۲۳۱).

جدول ۲. عناصر شهری رمله در دوران اموی

عناصر شهری رمله	توضیحات
برج و بارو	برج و بارو یک عنصر مهم و ضروری برای شهرهای دوره اموی است، اما وجود این عنصر در اطراف شهر رمله همچنان در حاله‌ای از ابهام قرار دارد.
ورودی‌های شهر	برای شهر رمله ۸ ورودی در نظر گرفته شده است. در هر جهت جغرافیایی، یک ورودی اصلی و یک ورودی فرعی قرار داشته و از هر ورودی اصلی، یک خیابان عریض به مرکز شهر، کشیده شده است.
شبکه معابر	شهر رمله بر اساس طرح شطرنجی ساخته شده و از دو خیابان شمالی-جنوبی و شرقی-غربی عمود بر هم که مسجد سفید در تقاطع آن‌ها قرار گرفته، تشکیل شده است.
مسجد سفید (مسجدالابیض)	مسجد رمله، به‌عنوان مهم‌ترین عنصر شهر اسلامی در مرکز شهر و در محل تلاقی دو خیابان اصلی عمود بر هم احداث شد. معماری این مسجد، متأثر از معماری روم شرقی است.
بازار	در دوره امویان، رمله به یک بازار بزرگ تجارت بین‌المللی تبدیل شد. در این شهر بازارهای تخصصی، در طول خیابان‌های اصلی از ورودی‌های شهر تا مسجد کشیده شده بودند.
دارالاماره و دارالصباغین	اولین بناهایی که در شهر رمله ساخته شده‌اند دارالاماره و دارالصباغین هستند. اگرچه مورخان بر وجود دارالاماره در شهر رمله اتفاق‌نظر دارند اما کاربری دارالصباغین که همان دارالاماره بوده یا کاربری متفاوتی داشته مبهم است.
مناطق مسکونی	ساختمان‌های مسکونی رمله در جهات شمالی-جنوبی و شرقی-غربی احداث شده‌اند. ساختمان‌های اشرافی در نزدیکی مرکز شهر واقع شده بودند.
کانال‌های آب	از ویژگی‌های مهم شهر رمله، وجود سیستم آب‌انبار و کانال‌های آبی دقیق است که آب را به کاخ دارالاماره و ساختمان‌های مجاور آن هدایت می‌کرده است.
گورستان	گورستان‌ها در خارج از محدوده شهر بوده و قبرها به شیوه رایج مسلمانان، روبه‌قبله (جهت شرقی-غربی) قرار گرفته‌اند.
سایر عناصر شهری	کاروانسرا و حمام از عناصر مهم شهرهای اموی است.

۵. مهم‌ترین عناصر شهری دوره اموی و عوامل تأثیرگذار بر آن

اصلی‌ترین عناصر شهری تمدن یونان و رم که سرزمین شام نیز تا قبل از فتح اسلام تحت تأثیر آن بود، عبارت بودند از: خیابان، فضای عمومی (فوروم و آگورا)، ساختمان‌های عمومی بزرگ،

تئاتر، ورزشگاه، کلیسا و حمام. فتح شام توسط مسلمانان، ساختار و عناصر شهری منطقه شام را تحت تأثیر خود قرار داد. همان‌طور که در ساختار شهری دمشق و رمله نیز مشاهده می‌شود، اصلی‌ترین عناصر شهرسازی دوره اموی، شبکه معابر، بازار و مسجد است. در دوره اسلامی، تئاتر حذف شد چون بازی‌ها و تقلید هیچ جایی در زندگی شهری مسلمانان نداشت. برخی محققان چون کِنِدی (Kennedy)، حمام را نیز جزو عناصر شهری دوره اموی برشمرده‌اند؛ اگرچه در کاوش‌های باستان‌شناسی در دو شهر بررسی شده دمشق و رمله اثری از حمام به چشم نمی‌خورد اما در این قسمت مختصراً بررسی شده و کاربردهای آن با دوره پیشین مورد مقایسه قرار می‌گیرد.

۱.۵ شبکه معابر

پیچیده‌ترین تغییرات در طراحی شهری دوره اسلامی، مربوط به شبکه معابر است. نوع رویکرد مسلمانان به خیابان در شهرهای نوپدید و شهرهای فتح‌شده متفاوت است. همان‌طور که در نمونه رمله مشاهده شد، برنامه ریزان مسلمان، طرح شهر جدید را بر اساس خیابان‌های شطرنجی و قائم طراحی می‌کردند؛ اما شهرهایی مانند دمشق که قبل از فتح اسلام، تحت تأثیر تمدن رم و یونان با ویژگی‌هایی چون خیابان‌های مستقیم، شطرنجی و عریض و فضاهای باز عمومی مستطیل شکل شناخته می‌شدند در دوره اسلامی وضعیت، بسیار متفاوت شد و نظم شبکه معابر تا حدی دچار تغییر گردید.

کندی، در بررسی تغییرات شبکه معابر در دوره اموی به چند دلیل اشاره می‌کند. به اعتقاد او تغییر سیستم مالکیت، ساختار اجتماعی و ابزارهای حمل‌ونقل از مواردی هستند که باعث تغییر شکل خیابان‌ها شده‌اند. از دید کندی، قانون روم تمایز شدیدی بین مالکیت خصوصی و عمومی قائل بود و دولت، ساخت‌وساز ساختمان‌های خصوصی را در فضای عمومی منع می‌کرد؛ اما در قانون اسلامی توجه عمده به سمت خانه و خانواده و موضوعاتی چون حریمت و فضای خصوصی بود و ساخت‌وساز و ورود به مالکیت عمومی تا جایی که آسیبی به همسایگان وارد نمی‌کرد مجاز بود. از سوی دیگر، به دلیل اهمیت تجارت در اسلام، ساختار اجتماعی شهر در دوره اسلامی تغییر کرد و شهر بازتاب نیاز طبقه تاجر بود. نتیجه این امر، تغییر شبکه معابر از خیابان‌های عریض به بازارهای شلوغ بود. علاوه بر موارد فوق، وجود شبکه معابر عریض در دوره کلاسیک به دلیل استفاده از گاری و ارابه برای تجارت زمینی بود؛ اما در دوره اسلامی حذف حمل‌ونقل چرخ‌دار به دلیل هزینه‌های بالای آن و استفاده از حیوانات باربر،

تأثیر عمیقی بر برنامه‌ریزی شهری گذاشت. یک مسیر پیچ‌درپیچ و ساده با عرضی که تنها امکان عبور دو حیوان باربر را فراهم کند برای عبور و مرور کافی بود (Kennedy, 1985: 13-15).

۲.۵ بازار

از آنجایی که فرهنگ اسلامی بر مبنای تجارت بنا شده، بازار در شهر اسلامی از اهمیت بسزایی برخوردار است. به‌طوری که حبیبی در کتاب خود از بازار به‌عنوان «ستون فقرات شهر دوره اسلامی» نام می‌برد (حبیبی، ۱۳۸۶: ۴۸). بازار در شهر اسلامی یک مکان مشخص مانند فوروم و آگورا نیست؛ بلکه کل شهر و خیابان‌های آن بازار هستند. در دوره قبل از اسلام در تمدن بیزانس، فضاهای باز فوروم و آگورا علاوه بر محل تجمع، کارکرد بازار هم داشته‌اند (پاکزاد، ۱۳۸۸: ۵۲). اما در دوره اسلامی، عملکرد این فضاها دستخوش تغییر شد. در حلب، آگورا تبدیل به محوطه مسجد جامع شد، در دمشق نیز به منطقه مسکونی تبدیل گردید. اگرچه شواهدی از وجود نواحی بازاری مستطیل‌شکل، در شهرهایی مثل قیصریه وجود دارد اما هیچ‌یک از آن‌ها نقش مرکزی در زندگی شهری ایفا نمی‌کنند (مثل آنچه آگورا انجام می‌داد). در دوره اسلامی، تجارتِ جواهرات، کتاب، پارچه و اجناس باارزش نه در فضاهای باز بلکه در بازارهای اطراف مسجد انجام می‌شد. به‌طورکلی می‌توان گفت در دوره اسلامی شاهد تغییر بازار از یک فضای باز (آگورا و فوروم) به یک فضای خطی (خیابان) هستیم (Kennedy, 1985: 13). به اعتقاد کندی، علت این امر، اهمیت تجارت در دوره اسلامی است. اگر شهر در دوره کلاسیک، محل سکونت اشراف‌زادگان بود شهر اسلامی محل بازرگانی و تجارت است. نتیجه اصلی، تغییر از خیابان‌های عریض به سوق‌های شلوغ و افزایش تعداد خرده‌فروشی در مرکز شهر است.

۳.۵ مسجد

مهم‌ترین عنصر شهر اسلامی مسجد است. به‌طوری که حبیبی در این رابطه می‌گوید:

با توجه به اینکه دولت اسلامی در شهر تولد می‌یابد و با توجه به اینکه تشکیل این دولت برای اولین بار در مسجد صورت می‌گیرد، بنابراین وجود مسجد جامع به یکی از مشخصات اصلی شهر دوره اسلامی تبدیل می‌گردد. این امر تا آن حد اهمیت دارد که در دوران اولیه دولت اسلامی، سکونتگاهی به مقام شهر می‌رسد که صاحب جامع باشد. نخستین مکانی که به هنگام فتح یک شهر ساخته می‌شود و یا معبد، آتشگاه و یا کلیسائی بدان منظور تغییر شکل می‌یابد، مسجد جامع است (حبیبی، ۱۳۸۶: ۴۲).

بنابراین با ظهور اسلام، شکل جدیدی از ساختمان عمومی در شهر پدیدار می‌شود. در شهرهای نوین، مسجد جزو اولین عناصری است که در شهر بنا می‌شود. در شهرهای موجود نیز اولین تغییری که در شهر ایجاد می‌شود، ایجاد فضایی برای عبادت است. در سرزمین‌های فتح‌شده مسیحی‌نشین، مسجد به عنوان مکان عبادت شهر، جایگزین کلیسا می‌شود. همان‌طور که در معرفی دمشق نیز اشاره شد، کلیسا در اوایل قرن ۸ تغییر کرد. برخی معتقدند کلیسا نابود شد و برخی دیگر معتقدند بخشی از آن به فضای عبادت مسلمانان اختصاص یافت (Alsayyad, 1991: 99). در حلب تا قرن ۱۲ مسجد و کلیسا هم‌زمان در دو طرف یک خیابان قرار داشتند؛ و در حمص، مسجد و کلیسا در قرون وسطی دو نیمه‌ی یک ساختمان بودند (Kennedy, 1985: 15). مسجد علاوه بر مکان عبادت، محل برقراری تعاملات اجتماعی نیز به شمار می‌رفت. در مسجد مسئولیت و بحران‌های دولت اسلامی با امت در میان گذاشته می‌شد (حبیبی، ۱۳۸۶: ۴۲). بنابراین، مسجد جایگزین آگورا هم شد و به مکان ملاقات عمومی در شهر تبدیل گردید. در دمشق در دوران امویان محوطه بزرگ مسجد، تنها فضای باز شهر به شمار می‌رفت و در حلب نیز مسجد، روی آگورا ساخته شد (Kennedy, 1985: 15).

۴.۵ حمام

حمام یکی از مهم‌ترین امکانات شهر دوره کلاسیک به شمار می‌رفت که شهروندان اوقات فراغت خود را در آن می‌گذراندند. حمام‌های رومی، فقط محلی برای شستشو نبودند بلکه محل مذاکره و حتی توطئه نیز به بودند (پاکزاد، ۱۳۸۸: ۱۵۵). این عنصر شهری، بعد از فتوحات اسلامی نیز همچنان باقی ماند؛ اگرچه طراحی و مقیاس ساختمان حمام، به طرز قابل‌توجهی تغییر کرد. حمام‌های بزرگ دوره امپراتوری در مرکز مجتمع‌های فراغتی که شامل ورزشگاه و کتابخانه بود قرار داشتند؛ اما در دوره اسلامی شاهد حمام‌هایی با تعدادی آب‌انبار کوچک یک‌اندازه هستیم. این تغییرات در معماری، اشاره به تغییر در کاربرد حمام‌ها دارد. در اوایل دوره اسلامی، شهروندان برای پاکیزگی بیشتر به حمام می‌رفتند تا تجارت و ارتقای ذهن و بدن (Kennedy, 1985: 8-10).

۶. نتیجه‌گیری

برای درک بهتر شهرهای اسلامی، باید آن‌ها را در یک زمینه تاریخی مورد بررسی قرار داد. منابع تاریخی نشان می‌دهد که عربستان پیش از اسلام واجد ساختار شهری منسجم نبود؛ چراکه

تنها بخش کوچکی از مردم آن یکجانشین بودند. اما پس از مدت کوتاهی، پیامبر شهری را احداث می‌کنند که وظایف مذهبی و آرمان‌های سیاسی-اجتماعی دولت اسلامی در آن تحقق می‌یابد. به نظر می‌رسد شهر برای دولت اسلامی یک ضرورت است تا امکان تحقق فرمان‌ها و اجرای مقررات صادره از سوی دولت اسلامی را فراهم کند.

بررسی عناصر نخستین شهرهای صدر اسلام نشان می‌دهد که مهم‌ترین عنصر شهر، یعنی مسجد، بیشتر از آنکه عنصری کالبدی و ساختاری باشد، عنصری عملکردی و مفید به لحاظ کارکردی است. به عنوان نمونه مسجد مدینه، کاملاً برهنه و بی زیور بود و در کوفه نیز، مسجد دارای ساختمان نبوده بلکه احتمالاً نمازخانه‌ای سرپوشیده بوده است؛ اما در دوران امویان، که با به خلافت رسیدن معاویه در سال ۴۱ ه.ق/۶۶۱ م. آغاز شد معماری و شهرسازی تفاوت قابل توجهی نسبت به دوره قبل خود کرد. از آنجایی که بعد از تحکیم پایه‌های اعتقادی-اجتماعی اسلام در شبه جزیره عرب، روند گسترش اسلام به طور چشمگیری در سایر مناطق هم‌جوار آغاز شده بود؛ معاویه، پایتخت را به دمشق منتقل کرد و بنابراین امویان نه از مدینه، بلکه از شام بر قلمرو اسلامی حکومت می‌کردند. از این رو به شدت تحت تأثیر معماری و شهرسازی سرزمین شام قرار گرفتند. از سوی دیگر از خصوصیات دوره اموی، رفاه‌طلبی و دنیاداری بود. در این دوره خلفای اموی، به ساختن بناهای عظیم به پیروی از کاخ‌های پادشاهان ایران و حکمرایان بزرگ روم شرقی، اهتمام ورزیدند؛ آثاری که تا قبل از این در دوره اسلامی شاهد آن نبوده‌ایم.

خلفای اموی، برخلاف خلفای پیشین با عبادت در مسجد ساده و بی تکلف شبیه دوران پیامبر موافق نبودند. مساجد دوران اموی، از جمله مسجدالابیض در شهر رمله که به پیروی از معماری رم شرقی ساخته شد و مسجد جامع دمشق که جزو مهم‌ترین عناصر معماری دوره اموی است، نشان از طبع مادی خلفای اموی دارد. کاخ‌های دوره اموی نیز حائز اهمیت است. معاویه چند سال پس از آغاز خلافتش، برای اولین بار در تاریخ اسلام، اقدام به ساخت قصری برای خود نمود. می‌توان گفت خلفای اموی، در ساخت مساجد و کاخ‌های باشکوه هم به دنبال نمایش جلال و جمال بودند و هم به رقابت با سایر تمدن‌های توجه می‌کردند. در هر صورت، ویژگی‌های ذکر شده باعث ایجاد آثاری در دوره اموی شد که تا پیش از آن در تاریخ اسلام شاهد آن نبوده‌ایم.

از دیگر تفاوت‌های شهرسازی امویان با دوره‌های پیشین را باید در تأثیرپذیری و تأثیرگذاری از فرهنگ سرزمین‌های فتح شده جستجو کرد. سرزمین شام که امویان مرکز

حکومت خود را در آن قرار دادند تا قبل از فتح مسلمانان تحت حکومت روم شرقی قرار داشت، بنابراین شهرسازی این ناحیه نیز متأثر از هنرهای یونانی و رومی باستان بود. مسلمانان با ورود به این سرزمین‌ها اصول شهرسازی آن‌ها پذیرفته و آن‌ها را با نیازهای خود منطبق کردند. تغییر کلیسا به مسجد، استفاده از طرح شبکه شطرنجی معابر در شهرهای جدید احداث شده توسط مسلمانان، حذف عناصر شهری چون تئاتر و ورزشگاه و تغییر ساختار بازار از شکل متمرکز به خطی (به‌طوری‌که کل شهر یک بازار بزرگ بود) از نمونه‌های تأثیر و تأثر دو فرهنگ اسلامی و غربی بر یکدیگر دانست. تغییر کالبدی شهرها بازتاب تغییر در پیش، نگرش و عقاید مردم جامعه است. تغییر در عناصر شهری شهرهای سرزمین شام، پس از ورود مسلمانان را باید در عقاید و فضای فکری جامعه جستجو کرد. ساختارهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی موجبات تغییر در ساختار کالبدی دوره امویان را فراهم کرده است که نمود آن را در شهرهایی چون دمشق و رمله می‌توان مشاهده کرد.

پی‌نوشت‌ها

۱. ابوالحسن محمد بن احمد بن جبیر (۵۴۰-۶۱۴ع)، سیاح، نویسنده و شاعر عرب اندلسی است. سفرنامه او به نام "رحله" که شرح سفر او به برخی از سرزمین‌های اسلامی است مشهور است.
۲. در امپراتوری رم، کاستروم (Castrum) ساختمان یا قطعه زمینی بود که به‌عنوان کمپ نظامی از آن استفاده می‌شد.
۳. شهرهای رومی از دو خیابان عمود بر هم به نام‌های "کاردو" و "دکومانوس" تشکیل شده بود. کاردو محور شمالی-جنوبی و دکومانوس محور شرقی-غربی بود. فوروم در محل تلاقی این دو محور قرار داشت.
۴. رمله "در عربی به معنای زمین ماسه‌ای است."

کتاب‌نامه

- ابن بطوطه، سفرنامه ابن بطوطه، ترجمه محمدعلی موحد، چاپ ششم، جلد اول، تهران، چاپ سپهر نقش، ۱۳۷۶.
- الصیاد، نزار و حسین سلطان‌زاده، تهیه الگو از ساختار شهرهای سنتی اسلامی، تحقیقات اسلامی ۱ و ۲، صص ۳۴۱-۳۶۴، بهار و تابستان ۱۳۷۴.
- الصیاد، نزار و مریم قیومی، مدل‌سازی شهرهای سنتی اسلامی، گلستان هنر ۱۴، صص ۵۵-۶۴، ۱۳۸۷.

تحلیل ساختار شهرهای رمله و دمشق ... (سیدمهدی خاتمی و سمیه حق روستا) ۸۵

ایازی، سیدمحمدعلی و سیدمحمدعلی میرصانعی، تعامل مسیحیان با حاکمان مسلمان در عصر اموی و اوایل عصر عباسی، فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهشنامه تاریخ، شماره ۴۵ (سال دوازدهم)، صص ۸۳-۱۰۶، ۱۳۹۵.

باروکاند، ماریانه و آخیم بدنورتس، معماری اسلامی در اندلس، ترجمه فائزه دینی، تهران، فرهنگستان هنر، ۱۳۸۶.

بلاذری، احمدبن یحیی، فتوح البلدان، بیروت-لبنان، دار و مکتبه الهلال، ۱۹۸۸.
بنه ولو، لئوناردو، تاریخ شهر (شهرهای اسلامی و اروپایی در قرون وسطا)، چاپ سوم، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۶.

پاکزاد، جهانشاه، تاریخ شهر و شهرنشینی در اروپا از آغاز تا انقلاب صنعتی، تهران، آرمان شهر، ۱۳۸۸.
تولایی خوانساری، حسین، تأثیر هنر معماری بیزانس و ساسانی بر معماری دوره‌ی اموی، کتاب ماه هنر، شماره ۱۳، صص ۸۶-۹۵، ۱۳۸۸.

حبیبی، سیدمحسن، از شار تا شهر، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.
دانشنامه جهان اسلام، ذیل عنوان «رملة»، جلد ۲۰، ۱۳۹۵.
دانشنامه جهان اسلام، ذیل عنوان «دمشق»، جلد ۱۸، ۱۳۹۳.
دایره المعارف اسلام پدیا (دایره المعارف اسلامی)، ذیل عنوان «بنی امیه»، ۱۳۹۵.
زمانی، عباس، تأثیر هنر ساسانی در هنر اسلامی، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۹۰.
غلامی، یدالله، مسجد جامع رمله، فلسطین، مسجد ۶۳ (سال یازدهم)، صص ۷۰-۷۳، مرداد و شهریور ۱۳۸۱.
کرسول، کی.ای.سی، گذری بر معماری متقدم مسلمانان، ترجمه مهدی گلچین عارفی، تهران، فرهنگستان هنر، ۱۳۹۳.

مرزبان، پرویز، خلاصه تاریخ هنر، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۶.
مقدسی، شمس الدین ابو عبدالله. ۱۳۸۵. احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم. چاپ دوم. با ترجمه علی نقی منزوی. تهران: کومش.

ناصر خسرو، سفرنامه ناصر خسرو، تدوین محسن خادم، تهران، ققنوس، ۱۳۸۲.
یاقوت حموی، معجم البلدان، ترجمه علی نقی منزوی، جلد ۲، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۸۳.

Alsayyad, Nezar, *Cities and Caliphs: On the Genesis of Arab Muslim Urbanism*. New York: Greenwood Press, 1991.

Avni, Gideon, *The Byzantine-Islamic Transition in Palestine*. Oxford: Oxford University Press, 2014.

Foster, Zachary J, "Was Jerusalem Part of Palestine? The Forgotten City of Ramla, 900-1900." *British Journal of Middle Eastern Studies* 1-15, 2016 .

Kennedy, Hugh, "From Polis to Madina: Urban Change in Late Antique and Early Islamic Syria." *Past & Present* 106: 3-27, 1985.

Luz, Nimrod, "The Construction of an Islamic City in Palestine: The Case of Umayyad alRamla." *Journal of the Royal Asiatic Society* 37 (1): 27-54, 1997.

Shmueli, Oren, and Haim Goldfus, "The Early Islamic City of Ramla in Light of New Archaeological Discoveries, G.I.S. Applications, and a Re-examination of the Literary Sources." In *Material Evidence and Narrative Sources*, by Daniella Talmon-Heller and Katia Cytryn-Silverman, 267-300. Boston: Brill, 2014.

